

ایزاب امیدواری پوتین نسبت به جنگ در اوکراین؛

همه چیز مرتب است

دوشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۱_ ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۴_ ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳

شماره

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



روزی که محمدرضا پهلوی برای همیشه از ایران رفت

آخرین خروج آخرین شاه

سال هفتم _ شماره ۲۱۰۶ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

به گفته کارشناسان، سند دخل و خرج سال آینده برخی ابعاد تولید نادیده گرفته شده است

بلا تکلیفی برخی حوزه‌ها در بودجه

همدلی | لایحه بودجه سال آینده همچنان زیر ذره‌بین کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی قرار گرفته و بررسی‌ها نشان از تکلیف نامشخص برخی از حوزه‌ها در این سند دارد؛ به عبارتی با وجود تاکید بر درآمدهای مالیاتی، اما برخی ابعاد تولید نادیده گرفته شده است...

بررسی نظرات متخصصان محیط زیست پیرامون پیامدهای انتقال آب در کشور

مافیای انتقال آب ادامه مافیای سدسازی

نگاهی به عملکرد شهرداری در بحران زمستانی

تانک اصولگر ایان از برف هم رد نشد

سیدعلی خمینی:

قرار نبود مسئول نظام با پیکان بیاید و با بنز برود

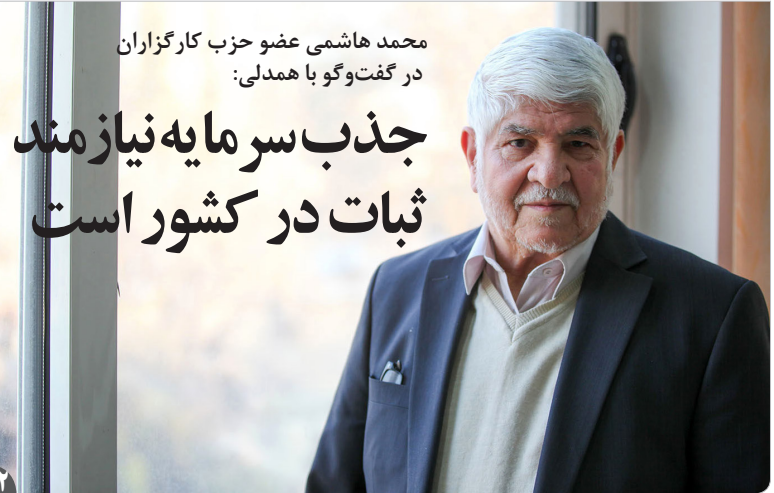
سازمان هواشناسی هشدار داد:

تداوم بارش برف و باران در ۱۰ استان

سفیر بریتانیا، ایران را ترک کرد

تهران - لندن بازگشت به نقطه صفر

همدلی | با فراخوانی سفیر انگلیس در تهران به کشورش، حداقل روابط دیپلماتیک دو کشور، باز دیگر به نقطه خود صفر خود نزدیک شده است. این در حالی است که در سالیان گذشته، عرصه روابط دو جانبه بین طرفین که تنها محدود به امور کنسولی و تبادل سفرا بوده است، بارها صحنه قطع و وصل‌های پیاپی شده و گشایش هر باره آن هزینه‌های زیادی را بر دستگاه دیپلماسی کشور وارد کرده است. در این بین، ساختمان سفارت انگلستان در خیابان فردوسی



محمد هاشمی عضو حزب کارگزاران در گفت‌وگو با همدلی:

جذب سرمایه نیازمند ثبات در کشور است



پیشگاه‌های محسن رنانی به مجلس برای تدوین سند هفتم چشم‌انداز؛

لطفا برنامه‌ریزی نکنید!

سرمقاله

اتکا به چهره‌ها و نادیده‌انگاری نهادها

رضا صادقیان روزنامه‌نگار

سیاست در ایران دیروز و امروز در هم سرشته با چهره‌های سیاسی، شخصیت‌های صاحب نفوذ و صاحبان قدرت است. آنچه از سیاست‌گذاری، اجرا و بازبینی سیاست‌های اجرا شده در بازه‌های زمانی مختلف توسط کشتگران اجتماعی و حتی چهره‌های سیاسی و دولت‌های مستقر فهم می‌شود، اهمیت نامتعالی دادن به جایگاه افراد است. به عبارتی جایگاه افراد، توانایی و تجربیات و حتی تحصیلات آنان آنقدر با اهمیت و مهم جلوه داده می‌شود که کارکرد نهاد مذکور در ترسیم این تصویر دچار خدشه می‌گردد و حتی اساسا در روایت‌های رسمی و غیررسمی و تاریخ‌نگاری نادیده گرفته می‌شود. به عنوان مثال؛ در ماجرای به ثمر رسیدن مذاکرات هسته‌ای و نقش وزیر امور خارجه سابق آنق شرح در همین صفحه

یادداشت‌ها

مصرف گاز و رجز خوانی‌های بی‌اعتبار

محمد جواد پهلوان مدرس دانشگاه

توهم دو‌گانه پنداری زن ایرانی در شعر

سیدجواد میری مدرس دانشگاه

پیشگاه‌های محسن رنانی به درخواست مجلس برای همکاری در تدوین سند هفتم چشم‌انداز؛

لطفا برنامه‌ریزی نکنید!

و به یک سوال پاسخ دهد: آیا اصولا این سیستم فرایندهای تصمیم‌سازی‌اش، «عقلانی» است؟ (نه هوشمندانه چون هوش پاسخ‌های مکانیکی دارد برای حل مسائل یک نظام اجتماعی زنده، به پاسخ‌های ارگانیک نیاز داریم و پاسخ‌های ارگانیک نیاز به عقلانیت دارد نه هوش). سیستم باید اول از خودش تست عقلانیت بگیرد. عین تست‌های روانشناختی که از افراد می‌گیرند. اگر درجه انسجام و مهارت لازم برای «تصمیم‌سازی عقلانی» در سیستم نباشد، هر تصمیمی بگیرد و هر برنامه ای بریزد ولو بهترین برنامه‌ها، چون در یک فرایند غیر عقلانی تصویب و اجرا خواهد شد ماحصلش شکست و خسارت است.

او البته توضیح می‌دهد و تاکید می‌کند که «دقت کنید این چارمنظور از عقلانیت، «عقلانیت سازمانی» است که با عقلانیت فردی متفاوت است»

نظام بروکراسی در مرحله هذیان است

رنانی با اشاره به برخی از اظهارنظرهای عجیب چندماهه گذشته از سوی بریخ دولتمردان و نمایندگان مجلس ادامه داد: «وقتی یک آدم تیش بلاست و هذیان می‌گوید به او نمی‌گویند بی‌تجربیت تا برایت برنامه مطالعاتی برای کنکور بیزم، اول مشکل تب و هذیانش را حل می‌کنند. الان نظام بروکراسی به مرحله تولید توهم هذیان وارد شده است. نگاه کنید یک نماینده [فلاچیا] می‌گوید ما داریم «قانون جهان» را می‌نویسیم. نماینده مجلس می‌گوید باید حساب بانکی بی‌حساب‌ها را مسدود کرد (این فرد نمی‌داند که این کار یعنی باز کردن یک جبهه جنگ جدید که در آن مخالفان و معترضان دست بالا را خواهند داشت، چون به راحتی می‌توانند پروژه تحریم نظام بانکی را کلید بزنند). دیگری می‌گوید آقا چرا به جای اعدام معترضان، دست و پا قطع نمی‌کنید؟ آن وزیر هم به خارج‌ها می‌گوید ما هیچ کس را در اعتراضات نکشته‌ایم و همه کشته‌های اعتراضات توسط گروه‌های معاند ترور شده‌اند. این نمی‌فهمد که این به معنی اعلام شکست حکومت است که گروه‌های مخالف در وسط شهرهایش ۵۰۰ نفر را بکشند و حکومت ناتوان از جلوگیری از آنها باشد؟»

رنانی ادامه داد: «شما حالا در چنین فضایی می‌خواهید برنامه بنویسید؟ آقاچرا برنامه بنویسید و بگویید چگونه دهان آدم‌هایی که در این سیستم تربیون دارند اما مسئولیت نمی‌پذیرند را ببندید؟»

این استاد اقتصاد در پایان این نامه با لحنی تند با اشاره به برخی روندها و اظهارنظرهای غیرمسئولانه درباره حجاب نوشت: «آنچه الان می‌بینیم این است که از ارتباط معنی‌دار به نهادی که اطلاعات و هوش را در یک سازمان یا نظام به «عقلانیت» تبدیل می‌کنند در این نظام از بین رفته است. کافی است نگاه کنید ببینید در مورد حجاب چه افراد و دستگاه‌هایی حرف زده‌اند و ادعا و تکذیب و تهدید و برانگیز و ... کرده‌اند و چقدر این حرف‌ها مخالف و خنثی کننده یا مشوب کننده فضا بوده است. این یعنی این آدم‌ها اگر خیلی هم حضور دارند، اما در حال حقیقت شاخص‌های اقتصادی گواه آن است که حضور تمام افراد امکان حل تورم بالای ۴۰ درصد و کنترل نقدینگی و رفع گردهای سیاست خارجی را محقق نکرده‌اند.

کشور برنامه توسعه تدوین شود که مثلاً در سال آینده چند درصد تولیدات کشاورزی بالا برود یا چند درصد تولید خودرو افزایش یابد؟»

الآن فصل برنامه‌ریزی نیست

وی در ادامه نوشت: «لطفا سلام مرا به عزیزان بالادستی بگذارید، سندی بنویسید و توصیه کنید که دولت یک تنفس دوساله به برنامه بدهد و برای این دو سال، حل‌وفصل چند بحران اصلی کشور را در اولویت اول خود قرار دهد و بقیه روزها را بگذارد به روال کنونی پیش برود.»

او تاکید کرد: «خلاصه آن فصل برنامه‌ریزی نیست و اگر بهترین برنامه‌ها و توصیه‌ها و تبصره‌ها و سیاست‌ها هم تصویب شود، نه شرایط کشور اجازه می‌دهد، نه منابع مالی پایدار است، نه مجری (دولت) انسجام فکری و سازمانی کافی برای تحقق آنها را دارد.» وی به برخی برنامه‌ها برای بهبود وضعیت میان مردم و حمایت‌اش اشاره کرد و نوشت: «ما اکنون به برنامه‌هایی برای «عمدابخشی»، «امیدآفرینی»، «بائیات‌سازی»، «عدای‌سازی»، «فق گشایی»، «عقلانی‌سازی حکمرانی»، «هم‌نشینی»، «انسجام‌بخشی» و ... نیاز داریم. بدون این‌ها، به برنامه توسعه معنی نمی‌دهد و قطعاً شکست می‌خورد و شکست برنامه‌های قبلی هم به همین علت بوده است.» او با تاکید بر لزوم تقویت سرمایه اجتماعی نظام، ادامه داد: «بدون سرمایه اجتماعی، برنامه‌ها حتماً شکست می‌خورد؛ چون برنامه باید «پلورپذیر» باشد و وقتی سرمایه اجتماعی پایین است، عدم باورپذیری برنامه‌ها، خودش عامل شکست برنامه می‌شود. حتی نیازی به تحریم و جهش دلار هم ندارد.»

بروید سراغ تدوین سند ترمیم

وی پیشنهاد کرد: «پس تدوین پیش نویس یا حتی اصلاح سند برنامه را رها کنید و بروید سراغ تدوین «سند ترمیم». بدون ترمیم، هرگونه بارگذاری جدید، به هر اسمی، بر روی این ساختار فقط فروپاشی آن را تسریع می‌کند. این مساله را به مقامات ما تفهیم کنید که حتی تذکر شفاهی برای حجاب بارگذاری است، برگزاری یک همایش هم یک بارگذاری جدید است. حالا شما می‌خواهید سند برنامه را بپذیرد مجلس تا چند صد نماینده هم در رقابت با هم، هر کدام یک بارگذاری جدید روی این سیستم انجام دهند؟ این یعنی به سخره گرفتن برنامه‌ریزی توسعه.»

فعالیت جدیدی بارگذاری نکنید

رنانی استدلال‌های خود را ادامه می‌دهد: «این سیستم باید برای مدتی هسر گونه بارگذاری جدید را متوقف کند

همدلی | محسن رنانی عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، به درخواست مرکز پژوهش‌های مجلس در مورد پیشنهاد همکاری برای تدوین سند هفتم چشم‌انداز پاسخ می‌دهد که در آن می‌گوید وضعیت فعلی کشور برای برنامه‌ریزی مناسب نیست. او در یادداشتی که انصاف‌نیوز منتشر کرده، می‌گوید که قبل از آن که باید برنامه‌ریزی کرد، باید کشور را به ثبات برسانید. ودر یادگیری وضعیت است که می‌توان به برنامه‌ریزی امید داشت. این استاد اقتصاد در پاسخ به درخواست همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس نوشت: «واقعاً دلم می‌خواهد کمک کنم؛ اما آنچه شما اکنون از من انتظار دارید کار ی عبث است، هم برای شما و هم برای من.» او در این پاسخ مکتوب نوشت: «اولاً پیش‌نویسی که تیم آقای القالیباف برای برنامه هفتم نوشته است را دیدم؛ دوباره تمام خوبی‌های عالم را در این پیش‌نویس خواسته‌اند، بدون توجه به امکانات بالفعل و نیز وضعیت بحرانی کشور. این یعنی شکست. دولت هم که دارد کار خودش را می‌کند و برنامه‌اش را می‌نویسد. نمی‌دانم مرکز پژوهش‌ها در این وسط قرار است چه کند؟ آیا می‌خواهد سند دیگری بنویسد؟ که بی‌معنی است؛ چون سند هر برنامه را باید مجری (دولت) بنویسد. قاعداً شما باید روی سند ارائه‌شده به مجلس کار کنید؛ بنابراین الان فقط می‌توانید نظرات افراد را به‌صورت کلی در مورد مسائل کشور جمع کنید تا در زمان بررسی برنامه از آن نظرات استفاده کنید و نه بیشتر.» او درباره نظرات فعلی خود در این باره نوشت: «من نظراتم را در ۹ مقاله درباره برنامه‌ریزی در ایران که قبلاً برای شما ارسال شده، بیان کرده‌ام؛ اما چون اصرار بود پیشنهادهای مشخصی برای برنامه هفتم بدهم، لازم دیدم توضیحات زیر را عرض کنم: اصولاً برنامه توسعه سندی است برای «ارتقاء جامعه از یک وضعیت تعادلی سطح پایین به یک وضعیت تعالی سطح بالاتر»؛ بنابراین برنامه فقط در شرایطی معنی می‌دهد که وضعیت عمومی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پایدار است و چشم‌انداز باثباتی در برابر کشور است و افق آینده، اطمینان‌بخش و امیدبخش است.» نانی با اشاره به وضعیت کشور نوشت: «وقتی هیچ‌چیز در کشور سر جایش نیست و بی‌ثباتی در همه حوزه‌ها موج می‌زند و چشم‌انداز باثباتی در برابر کشور نیست و حکومت هم هیچ قصد افق‌گشایی ندارد، وقتی تقریباً می‌توان پیش‌بینی کرد که ما در ماه‌های آینده هم با اعتراضات سیاسی و اجتماعی جدید روبه‌رو هستیم و هم با درهم‌ریزی‌های شدید اقتصادی، در چنین شرایطی برنامه توسعه نوشتن چه مفهومی دارد؟»

برای خروج از بحران برنامه‌ریزی کنید

این استاد اقتصاد ادامه داد: «الان اگر نهادهای مثل مرکز پژوهش‌ها می‌خواهد کاری برای کشور بکنند، باید سند خروج از بحران، سند تثبیت شرایط عمومی کشور، سند افق‌گشایی و سند تحول یا چیزی نظیر این‌ها را بنویسد.»

محسن رنانی با اشاره به برخی تهدیدات، پرسید: «مگر می‌شود وقتی به‌احتمال خیلی زیاد تا عید دلار از سقف ۵۰ هزار تومان عبور می‌کند (اگر بیشتر نشود) و درآمد‌های کشور تکلیفش روشن نیست و سایه جنگ اوکراین روزه‌روز به ما نزدیک‌تر می‌شود و پرونده برجام تقریباً بسته شده است و بی‌دین پشتوانه برای دنیاچیز این که مردم را بی‌اعتمادتر کند؛ نتیجه دیگری ندارد.

یادداشت

مصرف گاز و رجز خوانی‌های بی‌اعتبار

محمدجواد پهلوان - یکی از سنولاتوی یکی از روزها در مورد آن بسیار سخن گفته می‌شود، بحث درخواست مسئولان برای رعایت الگوی مصرف انرژی و عدم توجه مردم به این درخواست است. البته اگر انصاف به خرج بدهیم باید گفت که این بی‌توجهی به صورت نسبی است. یعنی اولاً بی‌توجهی صدرصدی نیست و هنوز بخشی از جامعه نسبت به هشدارها توجه دارند و رعایت می‌کنند و ثانیاً در تمام امور میزان بی‌توجهی یکسان نیست. فی‌المثل در حوزه مصرف اما در مورد چربی این بی‌توجهی مردم نسبت به هشدارهای وای‌وای گاه مسئولان در خصوص الگوی مصرف گاز نکته گفتنی است. شکاف عمودی شکل گرفته در جامعه هر روز شدت بیشتری می‌گیرد و همین شکاف با عمق زیاد باعث شده حتی در حوزه‌های این‌چنینی نیز مردم حرف‌شنوی لازم را نداشته باشند. آری، سخن مسئولان در این زمینه دور از واقعیت نیست، اما به دلیل نبود اعتماد این تصور در بخش اعظم جامعه وجود دارد که این مسئله نیز نشأت گرفته از خلاف‌گویی مسئولان است و گاز برای مصرف به اندازه کافی وجود دارد. بنابراین همان‌طور که عرض شد طبیعی است که به دلیل عدم اعتماد این درخواست‌های مسئولان برای جامعه محلی از اعراب نداشته‌باشد.

اما مسئله بعدی که به نظر بنده بسیار مهم است و باید مسئولان ما درباره آن تجدینظر اساسی کنند، افرای‌های عجیب و غریب در مورد سطح توانایی‌شان است که با از سوی خودشان اظهار می‌شود و با رسانه‌های نزدیک به آنان، بدین ترتیب که وقتی در داخل کشور برای زمستان خودمان برنامه‌ریزی صورت نگرفته، آقایان منتظر «زمستان سخت اروپا» بودند تا بتوانند با دست پر برجام را احیا کنند. حالا ایران در گیر زمستان سخت شده و شهرها یک به یک تعطیل می‌شوند و از آن سو اروپا توانسته با برنامه‌ریزی علمی و بدون نیاز به انرژی روسیه، زمستان را مدیریت نماید. ضمن آنکه با توجه به تحولات داخلی نیز به طور کامل احیای برجام از دستور کار آمریکا و اروپا خارج شده است. بنده به جد معتقدم این رفتارها باعث مقاومت مردم می‌شود و هم سرفراکندگی مسئولان، بارفتار فوق، جامعه به این باور می‌رسد مسئولان و تصمیم‌گیران کشور کسالتی هستند که فقط رجزخوانی‌های بی‌پشتوانه را در دستور کار خود قرار داده‌اند، اما از برنامه‌ریزی صحیح برای ابتدایی‌ترین موضوعات حوزه مسئولیت‌شان ناتوان هستند.

با وجود چنین مسئولاتی چگونه عده‌ای منتظر احیای اعتماد و ترمیم شکاف شکل گرفته بین مردم و حاکمان هستند؟ خلاف‌گویی‌های آشکار به علاوه سوء مدیریت‌های عیان در کنار رجزخوانی‌های پوچه‌گانه و بی‌دین پشتوانه برای دنیاچیز این که مردم را بی‌اعتمادتر کند؛ نتیجه دیگری ندارد.

سرمقاله

اتکا به چهره‌ها و نادیده‌انگاری نهادها

رضا صادقیان - سیاست در ایران دیروز و امروز در هم سرشته با چهره‌های سیاسی، شخصیت‌های صاحب نفوذ و صاحبان قدرت است. آنچه از سیاست‌گذاری، اجرا و بازبینی سیاست‌های اجرا شده در بازه‌های زمانی مختلف توسط کشتگران اجتماعی و حتی چهره‌های سیاسی و دولت‌های مستقر فهم می‌شود، اهمیت نامتعالی دادن به جایگاه افراد است. به عبارتی جایگاه افراد، توانایی و تجربیات و حتی تحصیلات آنان آنقدر با اهمیت و مهم جلوه داده می‌شود که کارکرد نهاد مذکور در ترسیم این تصویر دچار خدشه می‌گردد و حتی اساسا در روایت‌های رسمی و غیررسمی و تاریخ‌نگاری نادیده گرفته می‌شود. به عنوان مثال؛ در ماجرای به ثمر رسیدن مذاکرات هسته‌ای و نقش وزیر امور خارجه سابق آن قدر به جایگاه حقیقی دکتر ظریف در نشریات موافق و مخالف برجام پرداخته شد که کم‌تر کارشناس و مفسر سیاسی به تخصص سایر اعضای تیم مذاکره کننده، بالاتر بودن وزن سیاسیون به جای حقوقی‌ها، نحوه فعالیت سایر چهره‌های امدار نهادهای قدرت و افراد بانفوذ اهمیت داده شد. حتی در چنین روایتی جایی برای مسئله حاکمیت نیست و کم‌تر قابل دست‌یابی است، چرا که همه نگرش‌ها به سوی مهم بودن جایگاه فرد، فهم شده بود.

به عنوان مثال؛ این روزها بخشی از بدنه دولت به دلیل انتقاد از تصمیمات دولت سیزدهم و لمس وضعیت کشور به صورت مستقیم، به دنبال رایزنی برای جذب چهره‌های جدید و کارآمدتر به ساختار دولت هستند. چهره‌هایی که کمتر اهل شعار باشند و حداقل آن‌که درک دقیق‌تری از مشکلات امروز کشور نزد آنان صورت‌بندی شده باشد. خبر معاونت علی لاریجانی و رفتن مخبر و عوض شدن دبیر شورای عالی امنیت ملی و وزیر ورزش براساس چنین تلاش‌هایی خبری شده است. به نظر می‌رسد تمام این تلاش‌ها ریشه در همان ذهنیت نادرست فهم سیاست در ایران دارد، ذهنیتی که گمان می‌کند با رفتن و آمدن برخی چهره‌ها امکان اصلاح فرآیندهای نادرست در داخل سیستم‌جراحی ممکن و برنامه‌های بر زمین مانده تا این لحظه اجرا خواهند شده و دولت با تحمیل هزینه‌های کم‌تر توان حل مشکلات را به دست خواهد آورد. این همه یعنی افراد بسیار بسیار مهم هستند.

حل مسائل، مشکلات، بحران‌ها و ابر چالش‌های امروز در بخش‌های مختلف کشور بیش از آنکه وابسته به حضور و عدم حضور چهره‌های نام‌آشنا و دارای کارنامه مشخص در سیاست و میدان دولت و مجلس باشد، موضوع اساسا سیاسی و چندوجهی و مرتبط با کارکردهای دولت و سایر نهادهای متصل به قدرت است. آمدن و رفتن افراد در نهادها و ساختارها مهم بوده و هست، اما نمی‌توان به جای داشتن برنامه، استفاده از ظرفیت‌های چهره‌های کاران و متخصص و جذب افراد اهل دانش، صرفاً به حضور نام‌ها و نفی ساختارهای کلان مدیریتی اکتفا کرد. مسئله اصلی در تکیه به چهره‌های سیاسی، ساده‌سازی دشواری‌های دیروز و امروز و نفی نسبی ساختارهای سیاسی و حقوقی است. بنگرید به عوض شدن رئیس کل بانک مرکزی که پس از ۴۸ ساعت قیمت دلار کاهش یافت و امروز قیمت دلار دقیقاً به همان نقطه قبل بازگشته است؛ این همه نشان می‌دهد حتی افکار عمومی نسبت به آمدن و رفتن مدیران ارشد سازمان‌ها در مدت زمان کوتاه واکنش مثبت نشان می‌دهند. هنگامی که تمام توان دولت برای حذف و یا جذب چهره‌های جدید در بدنه دولت منجر می‌گردد، به عبارتی ما با نادیده‌انگاری نهادها و روبرو هستیم، نه‌ادامی که قرار است با حضور یک فرد به سامان شود و کارکردهای مناسبی را به نمایش بگذارد، بنابراین فرد قرار است کارها را انجام بدهد و نه نهاد مربوطه. این همه یعنی تکیه به برنامه‌های فردمحور و فرقه بر کردن چهره‌های سیاسی و مدیران ارشد.

افراد و چهره‌ها زمانی می‌توانند کارکرد مناسبی در ساختارهای سیاسی و حقوقی داشته باشند که سایر نهادهای نیز وظایف خود را براساس چارچوب‌های قانونی انجام دهند و اصلاح رویکردهای پر هزینه را به حاشیه برانند؛ حداقل آنکه در تیم اقتصادی دولت سیزدهم تمام مدعیان کارآمدی، احیای ارزش پول ملی، به‌سامان کردن بورس در سه روز، بازگرداندن قدرت اقتصادی، کاهش فقر و حتی نابود کردن فقر مطلق، راه‌اندازی شغل یا یک میلیون تومان، صعود به جایگاه قدرت اول اقتصادی منطقه و... حضور دارند، اما در حال حقیقت شاخص‌های اقتصادی گواه آن است که حضور تمام افراد امکان حل تورم بالای ۴۰ درصد و کنترل نقدینگی و رفع گردهای سیاست خارجی را محقق نکرده‌اند.